برترین روزنامه‌ها

برای صیانت از وفاق

روزنامه همشهری در شماره دیروز خود به قلم مهدی فضائلی نوشت:
در هریک از ادوار مختلف، رؤسای جمهور تلاش کرده‌اند دولت خود را با ویژگی و عنوانی متمایز و مشخصه اصلی آن را با صفت یا واژه‌ای برجسته کنند؛ یکی با واژه سازندگی، یکی اصلاحات، دیگری خدمت، یکی دیگر اعتدال و آن دیگری مردمی، تاامروز که دولت دکتر پزشکیان «وفاق» را رویکرد اصلی و وجه تمایز خود قرار داده است. برخی از این رویکردها به گفتمان هم تبدیل شد، ولی بیشتر آنها در حد رویکرد باقی ماند. رویکردی که چارچوب نظری پیدا کند و درست تعریف و مرزهای معرفتی آن دقیق مشخص شود، ظرفیت گفتمانی پیدا می‌کند؛ و الا از کلیاتی تکراری و مبهم فراتر نخواهد رفت.
امروز اگر دکتر پزشکیان چارچوب وفاق را شفاف بیان نکند و مفهوم وفاق همچون توپی سرگردان وسط میدان سیاست رها شود، هرکس از راه برسد به آن ضربه‌ای وارد خواهد کرد و به سرگردانی آن خواهد افزود. تکرار واژه وفاق بدون تحدید آن، هرکسی را از ظن خود یار آن خواهد کرد و در این حالت نه‌تنها وفاقی شکل نخواهد گرفت، بلکه اختلاف برداشت‌ها خود ضدوفاق عمل خواهد کرد! دکتر پزشکیان که خیرخواهانه و صادقانه ویژگی وفاق را برای دولت خود برگزیده‌اند و در ترکیب کابینه هم سعی کرده‌اند آن را به نمایش بگذارند، بیش و پیش از همه باید از این مفهوم صیانت کنند تا عده‌ای با برداشت‌های غلط یا سوءاستفاده، وفاق را در نطفه خفه نکنند. از جمله راه‌های صیانت از «وفاق»، شفاف‌سازی حدود و ثغور آن از سویی و ترسیم خط قرمزها از سوی دیگر است. مرزبندی با زیاده‌خواهان و جلوگیری از انتصاب افراد بدسابقه(که اظهار ندامت نکرده‌اند) به‌خصوص در مدیریت سطوح بالا و میانی، از دیگر اقداماتی است که دکتر پزشکیان برای صیانت از رویکرد اصلی دولت خود یعنی وفاق، می‌توانند انجام دهند.

امتناع دوقطبی‌سازی در دولت وفاق

روزنامه جام‌جم در یادداشتی به گفتمان وفاق و لوازم آن پرداخت و نوشت: در انتخابات ریاست‌جمهوری، گفتمانی از سوی آقای پزشکیان مطرح شد که این گفتمان ضددوقطبی‌سازی است. یکی از آسیب‌هایی که در دوران گذشته با آن روبه‌رو بودیم، به راه افتادن دوقطبی‌های کاذبی بود که از سوی برخی جریان‌های سیاسی با جدیت پیگیری می‌شد. یکی از عوامل این دوقطبی‌سازی‌ها، عمدتاً از سوی جریان‌های اصلاح‌طلب کارسازی می‌شد. در شرایط کنونی نامزد آنها با گفتمان وحدت و وفاق ملی وارد عرصه شده و مدیریت قوه مجریه را به‌دست گرفته است و در حقیقت رویکرد دوقطبی‌سازی را نفی کرده است و از این‌رو بعید می‌دانم که در دولت وفاق ملی، شاهد ظهور دوقطبی‌های کاذب باشیم، البته باید به این نکته هم توجه داشت که وجود دوقطبی‌ها در فضای سیاسی الزاماً ناپسندونامناسب نیست. به‌هرحال، وجوددوقطبی درحوزه کفروایمان، انقلاب و ضدانقلاب، مخالفان منافع ملی، موافقان منافع ملی و... جزو قطبیت‌سازی‌هایی است که اتفاقاً مورد تأکید است و باید بر آن اصرار و ابرام ورزید. در این عرصه‌ها، ملت ما در قطب دفاع از منافع ملی و ایمان انقلابی و اعتماد و امید نسبت به نظام جمهوری اسلامی قرار دارند و در سوی مقابل ما، دشمنان انقلاب و اسلام هستند که باهرگونه منافع ملی مردم ایران به مخالفت می‌پردازند و قصد دارند با ایجاد نفاق و شکاف در بین ملت و نظام جمهوری اسلامی، اختلاف بیندازند و طبیعی است که بین این دو قطب، هیچ‌گاه پیوندی برقرار نبوده و نیست. در مورد فضای جدید هم باید گفت که به نظر می‌رسد رویکرد رئیس‌جمهور و دولت او به‌گونه‌ای است که از آن، دوقطبی‌سازی‌های کاذب درنمی‌آید و از قرائن پیداست با مراقبتی که آقای پزشکیان و کابینه او خواهند کرد، ما به سمت دوقطبی‌سازی‌های کاذب نخواهیم رفت.

مافیای بندزنان

روزنامه صبح‌نو در سرمقاله دیروز خود نامه فائزه هاشمی را مورد واکاوی قرار داد و نوشت: نامه فائزه هاشمی از زندان اوین، تخریب آخرین سنگر اپوزیسیون بود و چهره بدون روتوش آنان را آشکار کرد. همان اپوزیسیونی که با گرفتن پروژه از اجنبی و با فعالیت‌های خشونت‌ناپرهیز به جای مبارزه مدنی، در خیابان‌ها با اغتشاش، آشوب، ویرانی‌طلبی، جنگ و تحریم به دنبال براندازی و انقلاب کارتونی بودند.
مدعیان آزادی که با ابتذال در رفتار و مبارزه سیاسی، تمامیت‌خواهی را بازتولید می‌کنند. مانند تصاویری که بارها در ایام انتخابات در خارج از کشور شاهد آن بودیم که چگونه این جماعت با رفتار دیکتاتورمآبانه خود هر تفکری غیر از خود را تکفیر می‌کردند. نامه فائزه هاشمی مجدداً ثابت می‌کند مبارزان توخالی راه آزادی که بر سر هیچ چیز با یکدیگر توافق ندارند و شورای همبستگی آنان تبدیل به شورای گسستگی شده است، تبدیل به مستبدانی چندش‌آور شده‌اند که نه‌تنها تحمل تفکری غیر خود را ندارند، بلکه با یکدیگر نیز توافق ندارند و به دنبال برتری و خودکامگی نسبت به یکدیگر هستند.
در منظر این اپوزیسیون آزادی یعنی آن چیزی که من می‌گویم و سیاست یعنی تخریب رقبا. اپوزیسیونی که با گروه‌ها و تفکرهای متضاد و پراکنده می‌خواهند برای مردم نسخه آزادی و دموکراسی بپیچند، اما این اپوزیسیون خودکامه و قلدر که بین خود نیز همزیستی ندارند و نمی‌توانند حتی همبستگی خیالی خود را حفظ کنند، چگونه می‌توانند جامعه خود را با تضادها و باورهای گوناگون پذیرا باشند.

فرشتگان جلاد

روزنامه کیهان در یادداشتی با اشاره به اشغال افغانستان از سوی امریکا به بهانه حمله به برج‌های دوقلو نوشت: امریکا برای اجرای سیاست سلطه‌طلبانه‌اش و ایجاد جای پایی محکم در آسیای میانه طی ۲۰سال از شروع جنگ در ۲۰۰۱ تا خروج از افغانستان در ۲۰۲۱ چیزی حدود ۲/۲۶ تریلیون دلار خرج کرد. این رقم هزار برابر بودجه ۲میلیارد دلاری طالبان در اولین سال حکومت‌شان پس از خروج امریکا و بازگشت به قدرت در ۱۴۰۱ خورشیدی بود؛ پولی که می‌توانست به ساختن افغانستان کمک کند، برای تخریب آن استفاده شد. در جریان حمله به برج‌های تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ۲هزارو۹۷۷ نفر کشته شدند اما امریکا در جنگی که به بهانه این حادثه راه انداخت، در کمترین برآوردها ۷۱هزارو۴۴ غیرنظامی را به صورت مستقیم کشت، باعث کشتار غیرمستقیم بیش ۳۶۰هزار نفر دیگر در اثر عوارض جنگ مانند قحطی و بیماری شد، ۴میلیون افغانستانی را در داخل این کشور آواره و حداقل ۲میلیون‌و۷۰۰هزار افغانستانی را به کشورهای دیگر پناهنده کرد. خیلی‌ها فکر می‌کردند پس از اشغال افغانستان از سوی امریکا، روزهای خوبی برای مردم این کشور شروع می‌شود اما آمار هرگز به ما چنین نمی‌گوید. ۲۰سال پس از اشغال افغانستان، این کشور در رتبه ۱۸۲ «توسعه انسانی» در میان ۱۹۲ کشور جهان قرار دارد، در شاخص «صلح و امنیت زنان» افغانستان در رتبه آخر است، ۳میلیون‌و۷۰۰هزار کودک افغان از تحصیل بازمانده‌اند و حدود ۵۶درصد از جمعیت این کشور در فقر به سر می‌برند. افغانستان نمایشگاهی از سیاست‌های مخرب امریکاست؛ داستان کسانی که در لباس فرشتگان آزادی وارد یک کشور شدند اما با لباسی خونین‌تر از جلادان پا به فرار گذاشتند.

تفاوت «وفاق ملی» با پروژه امنیتی «آشتی ملی»

گزارش یک

چهره‌های رادیکال اصلاح‌طلب به بهانه وفاق ملی به دنبال ورود «رادیکال‌های نزدیک به براندازی» و افزایش تنش و بحران هستند.
به گزارش فارس، یکی از شعارهایی که پزشکیان از زمان رقابت‌های انتخاباتی اعلام داشت و در زمان ریاست جمهوری هم بر آن تأکید دارد، «وفاق ملی» است. اصل وفاق ملی موضوعی است که اگر کسی به فکر منافع ملی باشد، برای آن تلاش می‌کند.
اما همزمان با موضوع «وفاق ملی» کلیدواژه‌ای با عنوان «آشتی ملی» در فضای سیاسی کشور به چشم می‌خورد. افرادی همچون آذر منصوری، چهره رادیکال اصلاح‌طلب و از جریان اتحاد ملتی‌ها، کسانی هستند که «آشتی ملی» را پیش کشیده‌اند. آذر منصوری نوشته است: «رأی اعتماد به تمامی وزرای پیشنهادی دکتر پزشکیان گام مهمی برای پیشبرد پروژه وفاق ملی است. امید که بعد از این گام با پذیرش الزامات آشتی ملی از جانب همه ارکان حاکمیت و نیز جریان‌های سیاسی، تلاش‌ها معطوف به ترمیم شکاف حاکمیت ملت باشد.»
منصوری در توییتی دیگر خواستار رفع حصر میرحسین موسوی از عوامل اصلی فتنه ۱۳۸۸ شد و نوشت: «از دیروز که تصویر جدید محصوران عزیز منتشر شده، تمامی سال‌هایی را که خواستار رفع حصر شدیم، مرور کردم. سال گذشته نیز نامه‌ای به دبیر شورای عالی امنیت ملی نوشتیم و خواستار رفع حصر شدیم و پاسخی جز احضار نگرفتیم. باز هم می‌گوییم: وفاق ملی بدون این گشایش‌ها پروژه‌ای ناکام خواهد بود.»

■ پروژه امنیتی آشتی ملی چیست؟

آشتی ملی یک پروژه امنیتی برای بازگشت اصلاح‌طلبان رادیکالی است که در مرز براندازی حرکت می‌کنند. این اولین باری نیست که پروژه آشتی ملی از سوی این طیف اصلاح‌طلب مطرح می‌شود. آشتی ملی در دهه ۹۰ از سوی محمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات طرح شده بود.
در اینجا خوب است به نامه اخیر عباس عبدی به محمد خاتمی اشاره‌ای داشته باشیم. جمله کلیدی نامه این است: «ترکیب جبهه‌ای که محصول جریان ۱۳۸۸ است، نمی‌تواند در دوران وفاق کارایی داشته باشد.»
عباس عبدی که یکی از چهره‌های مشهور و اثرگذار جریان اصلاحات است، در ادامه این نامه نوشت: «تفاوت هوای سیاسی این دو دوره زمانی، بیش از تفاوت هوای زیستی میان زمستان منهای ۱۰درجه با تابستان ۵۰درجه است. متأسفانه برخی دوستان در سال ۱۳۸۸ منجمد شده‌اند و هنوز در پی حل مسائل ناشی از آن اتفاقات از طریقی ثابت و تکراری و البته ناموفق هستند و گمان می‌کنند رفع حصر لازمه وفاق است.» عبدی در بخش‌های دیگر این نامه به انتقاد از اصلاح‌طلبان رادیکال پرداخته و گفته است: «بنده نقدم را نسبت به روند کلی جریان اصلاحات می‌نویسم که در کانون آن جبهه اصلاحات قرار دارد. اولین نقدی که بنده به جریان رسمی اصلاح‌طلبی دارم، ادبیات سیاسی غالب نزد آنان است. صدای کسانی به عنوان صدای اصلی اصلاح‌طلبی- که در بعضی از اعضای جبهه اصلاحات نمود بارز یافته- شناخته می‌شود که زبانی رادیکال و مبارزه‌جویانه دارند؛ زبانی که بنا به تحلیل من تناسبی با مشی و راهبرد اصلاح‌طلبانه ندارد. این رویکرد بیش از اینکه در پی اصلاح باشد، دنبال شکست‌دادن طرف مقابل و جایگزین شدن آن است.»
بر اساس این یادداشت، عباس عبدی اعتراف کرده است که پروژه امنیتی آشتی ملی و بازگرداندن اصلاح‌طلبان رادیکالی که بر خط براندازی حرکت می‌کنند، نه تنها لازمه وفاق ملی نیست، بلکه حضور این رادیکال‌ها، به ضرر وفاق ملی و اساس اصلاح‌طلبی است. عبدی در یادداشتی به صراحت رفتارهای رادیکال را به «جبهه اصلاحات ایران» نسبت داد؛ جبهه‌ای که رئیس آن آذر منصوری است.
در این بین، علی‌اصغر شفیعیان، چهره رسانه‌ای نزدیک به اصلاح‌طلبان و پزشکیان در توییتی اعلام کرد: «پایان حصر به ایجاد یک بازی برد- برد نیاز دارد. رئیس‌جمهور پزشکیان با همراهی رئیس قوه قضائیه و بزرگانی دیگر در پی یافتن مسیری برای حل این مسئله بوده و هستند. حرکت در این مسیر معارضانی هم دارد که گاه لباس دوست بر تن دارند!»
در روزهای اخیر، بهزاد نبوی، چهره سیاسی و پیر اصلاحات در مصاحبه‌ای با روزنامه اصلاح‌طلب اعتماد گفت: «برداشت پزشکیان از وفاق ملی یعنی آشتی افراد و جریانات سیاسی حول محور منافع ملی.» اما در طول این مصاحبه، روزنامه اعتماد تلاش کرد خوانشی بحران‌زا از وفاق ملی ارائه دهد. اعتماد می‌گوید: «تحقق وفاق ملی و متعاقب آن آشتی ملی نیازمند پیش‌زمینه‌هایی چون پایان حصر، آزادسازی زندانیان سیاسی و تحقق حقوق شهروندی است. فعالان سیاسی معتقدند سیستم در ادامه باید به سمت گره‌گشایی از این معادلات هم برود.»
این تعبیر بحران‌زا و ضدوفاق، نشان می‌دهد طیف تندرو اصلاح‌طلب به دنبال همان پروژه امنیتی آشتی ملی هستند تا بتوانند با ورود افراد رادیکال در عرصه‌های مختلف، در راستای منافع خود فشارآفرینی کنند. در اینجا لازم است به رویکرد رهبر معظم انقلاب در خصوص پروژه «آشتی ملی» توجه داشته باشیم.
رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۵ در واکنش به طرح «آشتی ملی» از سوی محمد خاتمی و رسانه‌های اصلاح‌طلب فرموده بودند: «یک عده‌ای یاد گرفته‌اند تعبیر آشتی ملی [را به کار می‌برند]. این حرف‌ها به نظر من معنی ندارد. مردم باهم متحد هستند. آنجایی که پای اسلام و ایران و استقلال در میان است، پای ایستادگی در مقابل دشمن در میان است، مردم با همه وجودشان ایستاده‌اند. ممکن است در فلان مسئله سیاسی دو نفر با هم اختلاف‌نظر داشته باشند. چرا می‌گویید آشتی؟ مگر قهر هستند که بخواهند آشتی کنند. روزنامه‌ها این تعبیرات را پروبال می‌دهند و متوجه نیستند که اشکال ایجاد می‌کند. وقتی می‌گویید آشتی، مثل این است که یک قهری وجود دارد. بله مردم ما با آن کسانی که به روز عاشورا اهانت کردند، قهرند. آنهایی که آمدند وسط خیابان روز عاشورا با قساوت، لودگی و بی‌حیایی جوان بسیجی را لخت کردند و کتک زدند، بله ملت با اینها قهرند. با اینها آشتی هم نمی‌کنیم. آن کسانی که با اصل انقلاب بد هستند. می‌گویند اصل نظام هدف ماست و انتخابات بهانه ماست، البته اینها عده کمی در مقابل اقیانوس عمیق ملت ایران هستند.»
اشاره رهبر معظم انقلاب در این سخنان به شعار سران فتنه ۱۳۸۸ است که می‌گفتند: «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است.» بنابراین پروژه آشتی ملی برای زنده‌کردن اصلاح‌طلبان رادیکال، پروژه‌ای است که یک‌بار در سال ۱۳۹۵ مطرح شد و البته شکست خورد.
اکنون نیز برخی از این جریان تلاش دارند به بهانه وعده «وفاق ملی» از سوی پزشکیان، پروژه امنیتی شکست‌خورده خود را احیا کنند. رئیس‌جمهور باید توجه داشته باشد که بازی در زمین اصلاح‌طلبان تندرو، اول از همه به شخص و دولت او ضربه می‌زند و بعد برای منافع ملی و مردم بحران ایجاد می‌کند.

خبر

ظهره‌وند: ایدئولوژی صهیونیست‌ها مبتنی بر نژادپرستی است

صهیونیست‌ها عمدتاً دوتابعیتی هستند و ایدئولوژی آنها مبتنی بر نژادپرستی است.
ابوالفضل ظهره‌وند، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفت‌وگو با فارس گفت: حضور اعتراضی صهیونیست‌ها در شهرهای مختلف اسرائیل به‌ویژه تل‌آویو گویای نارضایتی آنها از دولت نتانیاهو است نه به دلیل جنایتکاری در غزه یا کرانه باختری بلکه به دلیل فشارهای اقتصادی، اجتماعی، روحی و روانی که طی ۱۱ماه به آنها وارد شده است. وی ادامه داد: این رژیم نتوانسته است به اهداف و دستاوردهای اعلامی خودش دست پیدا کند که ابراز نارضایتی ایجاد کرده است و در رأس این جریانات اعتراضی باید خانواده‌های اسرای اسرائیلی را که در اختیار حماس هستند، به عنوان پیشران معرفی کرد.
ظهره‌وند بیان کرد: آنها ناراضی هستند از اینکه چرا نتانیاهو نتوانسته است فرزندان‌شان یا اسرا را آزاد کند و کماکان به دنبال اهداف خودش بدون توجه به سلامت این افراد است. صهیونیست‌ها با جنایتکاری نتانیاهو مخالفتی ندارند اما می‌گویند چرا به اسرا و فرزندان ما که در اختیار حماس هستند بی‌اعتناست.
ظهره‌وند گفت: معترضان می‌گویند چرا پسرت به کالیفرنیا رفته و سالانه ۶۰۰هزار دلار برای حفاظت او هزینه می‌شود اما نسبت به سلامت فرزندان‌مان که در اسارت هستند، بی‌توجهی می‌شود، به همین خاطر است که نتانیاهو سرنوشت خودش را با ادامه جنگ گره‌زده و مجبور است تا انتها این راه را برود.
وی ادامه داد: نتانیاهو چنانچه به توافق صلحی با حماس برسد، یعنی پذیرش شکست، یعنی محاکمه و حذف کامل او از صحنه سیاسی اسرائیل، به همین خاطر، او دارد با وعده‌هایی که با آقای ترامپ به توافق رسیده، زمان می‌خرد که شاید با آمدن ترامپ بتواند تغییر و تحولی در صحنه تحولات فلسطین اشغالی به وجود بیاورد.
ظهره‌وند اظهار کرد: کسانی که در رژیم‌صهیونیستی هستند همه در واقع افراطی‌اند، همه کسانی که آنجا هستند، می‌دانند که زندگی آنها آلوده است به خون و زخم بر جان مردم فلسطین وارد کرده‌اند، آنها اکثرشان مسلح هستند و می‌دانند در چه سرزمینی پا گذاشته‌اند و می‌دانند که زندگی آنها بر پایه نابودی فلسطینی‌ها استوار شده است.
نماینده مردم تهران گفت: اگر از لیبرال، دموکرات و افراطی صحبت کنیم، آدرس غلط گرفته‌ایم، این خیلی مهم است، آنهایی که در آنجا هستند، ساکنان هستند، نه مردم، عمدتاً دوتابعیتی‌اند. کسانی هستند که ایدئولوژیک به موضوع نگاه می‌کنند و ایدئولوژی آنها مبتنی بر نژادپرستی است. ایدئولوژی آنها بریده از رعایت عدالت در قبال سایر اقوام و ادیان است. عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس خاطرنشان کرد: امروز رؤیای قوم بنی‌یعقوب یا بنی‌اسرائیل به باد فنا رفته و به همین خاطر است که معترضان معتقدند نتانیاهو می‌توانسته است طور دیگری عمل کند اما خوب عمل نکرده است، معترضان روی سیاست‌های نتانیاهو اعتراض دارند، نه روی جهت‌گیری‌ها و رویکردهای نتانیاهو، ما باید بتوانیم اینها را از هم تفکیک کنیم، از آنچه که در اسرائیل می‌گذرد.

گزارش ۲

اصلاحات علیه اصلاحات!

در شرایطی که انتظار می‌رود هم‌حزبی‌های رئیس‌جمهور که مدعی هستند عامل پیروزی وی در انتخابات ریاست جمهوری شدند، از وی در برابر تخریب‌ها دفاع کنند اما سکوت تنها موضعی است که اتخاذ کرده‌اند.
به گزارش راه‌دانا، در حالی دولت چهاردهم چند هفته‌ای است کار خود را رسماً آغاز کرده است و وزرا رسماً در وزارتخانه‌ها مشغول کار هستند که همچنان موج تخریب‌ها و فشارها علیه دولت از سوی جریان اصلاح‌طلب سیر صعودی دارد.
آنچه مسلم است اینکه طیف رادیکال اصلاح‌طلب از عملکرد رئیس‌جمهور در چینش کابینه همچنان دلخور است، از این رو اقدام به فشار بر دولت و تخریب برخی عملکردهای اعضای آن را در دستور کار خود قرار داده است.
مخالفت‌های گاه و بی‌گاه هم‌حزبی‌های رئیس‌جمهور با وی در حالی است که جریان رقیب پزشکیان در دوران انتخابات به طور مستمر بر همراهی با دولت برای پیشرفت کشور تأکید دارد.
مجلس شورای اسلامی به همه وزرای پیشنهادی پزشکیان رأی اعتماد داد تا به تعبیر رهبر معظم انقلاب بدون فوت وقت کابینه تشکیل شود و قوه مجریه کار خود را با سرعت آغاز کند، با این حال برخی چهره‌های نزدیک به تشکیلات حزبی پزشکیان دست از سنگ‌اندازی در مسیر دولت برنمی‌دارند. در حالی که این طیف از اصلاحات اعتقاد دارد وزرای دولت اصلاح‌طلب نیستند و برآمده از دولت وفاق ملی پزشکیان هستند، این روزها برای انتخاب استانداران در حال تحمیل حداکثر فشار بر دولت هستند.
رسول منتجب‌نیا در تازه‌ترین اظهاراتش گفته است همه استانداران باید اصلاح‌طلب باشند. او این را هم گفت که هیئت دولت باید اصلاح‌طلب باشد، حتی معاونان وزرا هم باید اصلاح‌طلب باشند؛ اظهاراتی که هدفش ایجاد تنش و اختلاف در درون دولت است، البته به اینجا ختم نمی‌شود، به طوری که این چهره اصلاحاتی معتقد است اگر مردم می‌دانستند پزشکیان دولت وفاق ملی را تشکیل خواهد داد، به او رأی نمی‌دادند.
عباس آخوندی هم در اظهاراتی عراقچی، وزیر امور خارجه دولت را به خاطر بیان اولویت‌های سیاست خارجی دارای توهم خوانده بود تا او هم در همراهی با حزب متبوعش نشان دهد پزشکیان و اختیاراتش در چینش کابینه برایش چندان اهمیت و جایگاهی ندارد.
این اظهارات در تخریب و اعمال فشار بر دولت در حالی رخ می‌دهد که هیچ چهره رسمی در دولت بنای پاسخ به اصلاح‌طلبان تندرو را ندارد.
الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت است و وظیفه دارد از دولت در برابر فضاسازی‌های رسانه‌ای دفاع کند، با این حال اما به نظر می‌رسد فعلاً سکوت اصلی‌ترین استراتژی چهره‌هایی است که در دولت مسئولیت گرفته‌اند اما از ایستادن پشت رئیس‌جمهور امتناع می‌کنند.
عبدالرحیم فیاضی، نماینده مردم نور و محمودآباد در این باره به راه‌دانا گفت: اصلاح‌طلبان از همان دوران تبلیغات انتخاباتی دل‌شان نمی‌خواست از پزشکیان حمایت کنند، چون دکتر پزشکیان سابقه عقلانی و منطقی در مواجهه با مسائل را دارد. آنها به دنبال چهره‌ای رادیکال بودند تا سیاست‌های‌شان را در دولت اجرایی کند.
وی این را هم گفت که پزشکیان در دوران نمایندگی مجلس نشان داد تحت تأثیر تندروها قرار نمی‌گیرد، از این رو اصلاح‌طلبان بنای تخریب و فشار بر دولت وی را گذاشته‌اند. در حالی که پزشکیان در تلاش است تمرکز دولت را بر مسائل معیشتی و اقتصادی معطوف کند اما به نظر می‌رسد چپ‌های رادیکال در پی آن هستند تا دولت را از ریل اصلی خود منحرف و درگیر دعواهای سیاسی کنند.

گزیده خبر

توضیحات جدید مطیعی درباره سفر به تایلند

یک مداح اهل بیت(ع) با حضور در برنامه «تکیه معلی» به حواشی سفرش به تایلند پاسخ داد.
به گزارش باشگاه خبرنگاران، میثم مطیعی، مداح اهل بیت(ع) در برنامه «تکیه معلی» شبکه ۳ درباره سفر تبلیغی اخیر خود به تایلند گفت: این سفرهای تبلیغی را فقط من و حاج مهدی رسولی نرفتیم، خیلی از مداحان دیگر هم رفته‌اند؛ سفرهای تبلیغی که بدون چشمداشت و به صورت جهادی بود. خیلی‌ها نمی‌دانند، چون نباید گفته بشود. ما تلاش می‌کنیم سبک زندگی اسلامی‌مان را ترویج کنیم.
مطیعی ادامه داد: من و حاج مهدی رسولی به هیچ جا وابسته نیستیم. ما روضه‌خوان امام حسینیم. من فقط در برابر اعمال خودم مسئولیت دارم. ما در هیچ‌جا رئیس نیستیم. ما تبلیغ کردن را وظیفه جهادی خود می‌دانیم. در شرایطی که سبک زندگی غربی ترویج می‌شود، سبک زندگی غرب‌گرای هرزه‌محور مقابل سبک زندگی اسلامی قرار دارد. به واسطه همین تقابل، توهین، تمسخر و قضاوت شکل می‌گیرد. چرا تایلند؟ چون تایلند برای نگاه غرب‌گرای هرزه‌محور یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های سبک زندگی هرزه‌محور است. این مداح اهل بیت(ع) افزود: حالا یک روضه‌خوان از ایران به تایلند رفته است تا بگوید ما در تایلند شیعه داریم، ما در تایلند طلبه داریم، ما در تایلند عاشقان فرهنگ ایرانی و زبان فارسی داریم. اگر به عقب برگردم، چنین سفری را می‌روم، چون هر نفر از آنها به اندازه هزار آدم است. در شرایطی که ۴۰میلیون توریست به آنجا می‌آید، کنار بودایی‌ها زندگی می‌کنند، در مقابل انواع و اقسام هجمه‌ها محکم پای سبک زندگی اسلامی و انقلاب اسلامی ایستاده‌اند، من وظیفه دارم به آنها دم‌تان گرم بگویم.
وی در پاسخ به این سؤال که چرا کشور تایلند مورد توجه قرار گرفت، گفت: این سفر آگاهانه بود، چون آگاهانه بود، آرامش هم حکمفرماست. من بابت رفتن به این سفر خودم را سربلند می‌دانم، یعنی اگر به عقب برگردم، با تمام حواشی پیش آمده دوباره برای تبلیغ به تایلند می‌روم. من در موضع پاسخگویی نیستم، من در موضع فاتحانه ایستاده‌ام چراکه جبهه جدیدی برای اسلام گشوده شده است. اصالتاً انقلاب اسلامی انقلاب فرهنگی است. صدور انقلاب هم یک صدور فرهنگی است. یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت فرهنگ است. حال انقلاب اسلامی می‌خواهد سبک زندگی اربعینی، سبک زندگی کرامت‌مندانه یاد بدهد، آن هم در برابر سبک زندگی لیبرال‌دموکراسی غربی لاابالی.
مطیعی مجدداً تأکید کرد: من آگاهانه به تایلند رفتم، هرچند می‌دانستم این سفرم چه حواشی‌ای به بار می‌آورد، ولی آنقدر هدفم مهم بود که حواشی را نادیده گرفتم. من امروز به لطف خدا احساس می‌کنم دو هدفم محقق شده است؛ یکی ارائه تصویری جدید از کشور تایلند از منظر شیعیان، یعنی من از منظر شیعیان به تایلند نگاه کردم. نتیجه‌اش این بود که خیلی‌ها گفتند ما نمی‌دانستیم اصلاً تایلند شیعه دارد. هدف دوم هم اخوت و مودت بود.
به گفته این مداح اهل بیت(ع)، ما جوانان نماز شب‌خوان کم ندیدیم. حالا یک عده نمی‌خواهند این صحنه‌ها را ببینند، ولی این صحنه‌ها وجود دارد. جوانان شیعه مؤمن معتقد در کشورهای مختلف حضور دارند. در یکی از سفرهایم به میلان یکسری از جوانان کنار شبکه اسکای‌نیوز یک ساختمانی را اجاره کردند تا مراسم امام حسین(ع) را برپا کنند. آنها مراسمی را برپا کردند که نمونه‌های آن را در ایران کم می‌بینیم. در آن سفر با پسری روبه‌رو شدم که پدر و مادرش هم متولد ایتالیا بودند. خدا شاهد است آن جوان دو ساعت مانده به اذان صبح بیدار شد، زیپ کوله‌اش را باز کرد، عبا و سجاده‌اش را انداخت، نماز شبش را خواند و ۱۰دقیقه بعد از نماز صبح خوابید. این جوان در کارهای علمی بسیار مهم مشغول بود. او می‌گفت: زمانی که وقتم خالی است، در دانشگاه‌های کشورهای مختلف تدریس می‌کنم. هر چند ماه در ایران به خدمت علامه حسن‌زاده‌آملی می‌رسم.
گفتنی است همزمان با ایام شهادت امام حسن‌عسکری(ع)، مراسم عزاداری در مسجد الهدی بانکوک با مداحی میثم مطیعی برگزار شد.

بررسی مسائل امنیتی جنوب شرق در کمیسیون امنیت ملی مجلس

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به جلسه این کمیسیون که در شورای تأمین استان کرمان برگزار شد، گفت: در این جلسه عمده مسائل امنیتی جنوب شرق کشور همچون قاچاق، اتباع بیگانه و گروهک‌های تروریستی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.
به گزارش فارس، ابراهیم رضایی با اشاره به سفر نظارتی اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در استان کرمان اظهار کرد: عصر روز گذشته اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دو جلسه در استانداری کرمان داشتند.
وی توضیح داد: جلسه اول با سردار مرتضوی، فرمانده قرارگاه قدس جنوب شرق کشور بود که توضیحی درباره وضعیت امنیت در جنوب شرق کشور به نمایندگان ارائه داد.
رضایی اضافه کرد: در ادامه کمیسیون امنیت ملی مجلس جلسه‌ای با اعضای شورای تأمین استان کرمان برگزار کرد که در این جلسه معاون امنیتی وزیر کشور، استاندار هرمزگان و معاون امنیتی استاندار سیستان‌وبلوچستان نیز حضور داشتند. به گفته وی در این جلسات، عمده مسائل امنیتی جنوب‌شرق کشور از جمله در زمینه قاچاق، اتباع بیگانه، گروهک‌های تروریستی و سایر مسائل امنیتی در این مناطق و حوزه‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

ارتباط سازنده ایران با همسایگان رژیم‌صهیونیستی را نگران کرده است

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: رویکرد دستگاه دیپلماسی در توسعه روابط با همسایگان و وحدت بین کشورهای اسلامی، رژیم‌صهیونیستی را نگران کرده است.
عباس مقتدایی در گفت‌وگو با خانه ملت با اشاره به سیاست توسعه روابط توسط جمهوری اسلامی گفت: ما به همسایگان خود این پیام را داده‌ایم که بر اساس منافع مشترک و متقابل و با حفظ اصول و چارچوب دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران آماده رقم‌زدن فصل جدیدی در روابط هستیم. نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: نگاه ما معطوف به هیچ کشوری نیست و همه کشورها در دیپلماسی جمهوری اسلامی بر اساس حکمت، عزت و مصلحت به طور یکسان تعریف شده‌اند و عملکرد و مواضع این کشورها بر نوع تعامل ما با آنها تأثیرگذار خواهد بود.
وی اضافه کرد: هوشیاری لازم را باید داشته باشیم تا شیطنت بیگانگان که حفظ و تقویت روابط ایران با همسایگان را خلاف منافع خود می‌دانند بر روابط ایران و همسایگان اثر منفی نداشته باشد.
این نماینده مجلس در دوره دوازدهم بیان کرد: همچنین باید توجه کنند که اگرچه جمهوری اسلامی سیاست حسن همجواری و توسعه روابط دوجانبه و چندجانبه را در پیش گرفته است اما با دقت نوع رفتارهای کشورهای دیگر را نیز رصد می‌کند. مقتدایی افزود: رویکرد دستگاه دیپلماسی یعنی نگاه به شرق و همسایگان و وحدت بین کشورهای اسلامی، دشمنان و رژیم‌صهیونیستی را نگران کرده است و آنها نمی‌خواهند این سیاست به نتیجه برسد، از همین رو به دنبال اختلاف‌افکنی و قطبی‌سازی هستند اما ایران اسلامی با هیچ کشوری اختلاف ندارد و به دنبال روابط دوستانه است.